



۲۰۱۸/۱۲/۱۱

صلاح الدین سعیدی

عاملین کیہا اند؟



عوامل و زمینه سازان انتحاری ها و انفجارات ممکن بزرگ در کابل در روزهای نزدیک که سفارت امریکا از آن خبر می دهد، کیہا اند؟

به گمان و محاسبات قوی سیاسی - نظامی ایران و روسیه و مراجع وابسته در ارگان های امنیتی افغانی از قماش دزدان سرگردنه بوده می توانند و می باشند!

عوامل زیاد اما یک عامل ذهنیت سازی خلاف تلاش ها و پیشرفت، تصمیم و تمرکز جانب افغانی و امریکا در مذاکرات صلح با مخالفین مسلح و طالب است.

هر زمانیکه چنین افکار و اندیشه های صلح و مذاکره در ۱۸ سال اخیر قوت گرفته ایشان با سازمان دهی انفجار و انتحار ازین کار و پروسه مانع شده اند.

عوامل زیاد اند اما عامل مصروف نگه داشتن و زمین گیر کردن بیشتر امریکا در افغانستان و زمینه سازی به امتیاز گیری بخشی از عوامل اند!

کی علاقمند این حالت است؟

ایران، روسیه و به زور و زر رسیده ها در افغانستان به زور ب ۵۲ !

نمی دانند چه میگویند!

در ۱۸ سال گذشته، امریکا، زمامداران کابل و حلقات وابسته، به شمول دزدان سرگردنه در ابتداء از مخالف خود خود تعریف دادند و گفتند مخالف شان تروریست است و با تروریست مذاکره و مفاهمه ندارند.

گفتند: آمده اند از دشمن خود انتقام (ریوانچ) بیگیرند.

ایشان عوض جست و جو و تمرکز به ایبٹ آباد و راولپنڈی قریه و شهر ما و افغانستان را به خاک و خون کشیدند.

هرچه کشتند و بردند اما مشکل حل نشد بلکه بزرگ و وسیع هم شد.

تعداد یتیمان و معیوبین خویش را بلند برده و تعداد یتیمان و معیوبین ما را ده ها مرتبه نیز بلند بردند.

بعد از اختناق و جنایات بوش و عمال دست نشانده، جزیه گیری و احمق سازی امریکا از جانب نظامیان پاکستان و حاکمیت های

بی کفایت دزدان سرگردنه کابل و متحدین بی ریشه دیسانت شده آن، متوجه شدند که تنها به (پالیسی ریوانچ) نه تنها مشکل حل

نمی شود بلکه بزرگ هم می شود و بزرگ هم شد.

دهها زندان غیر قانونی و جنایات ارتکاب یافته در آن و تصفیه های قومی و زبانی سیستماتیک در صفحات شمال کشور، تطبیق برنامه های موافقتنامه ستراتیژیک ایران در ساحة کلتوری، فرهنگی، سیاسی و اینک نظامی با مسلط ساختن فاطمیون و بهزاد ها روز تا روز وضع را در خلاف مسیر منافع مردم افغانستان، امریکا و صلح جهانی برده است و می برد.

این حالت و این عوامل تروریست زا و خود کش زا و انتحاری زا شد!

عده ای دیگر برای از دست دادن، چیزی نداشتند! بر عزت و حیثیت شان صریح تجاوز جنایتکارانه شده بود!

بعد از ختم دهه اول و رویکار آمدن آقای اوباما، پاکستان باز هم به اغوا و فریب جهان ادامه داد.

حاکمیت های بی کفایت و مزدور افغان در مقام اول مطرح بودن خود و بعد مصالح باداران پاکستانی، ایرانی، امریکایی، جیبی، سمتی، قومی، زبانی، نامسلمانی و ... خویش را اولویت داده و عوامل ادامه تراژیدی مردم ما را عامل شدند.

تمرکز من درین بحث بس عریض و طویل به آن جانب قضیه می باشد که در مواردی یا نخواستند بدانند و یا نمی دانند که چه می گویند و تناقض کشنده به نحو احمقانه در اظهارات و مواضع شان اصل بحث ماست.

تا آن زمانی در یک جامعه صلح و استقرار نمی آید، تا در نتیج سیاسی یک کشور نیروهای واقعی سیاسی کشور از طرق مشروع که مشروعیت آن اراده ملت است، این نیروها حضور نداشته باشند. لذا مذاکرات سیاسی و تفاهم سیاسی ضرورت است، نه انتخاب.

مفهوم این مطلب در اکثر موارد درست درک نمی شود.

درست درک و فهمیده نمی شود و نمی دانند که مصالحه سیاسی نه خیرات و نه گذشت است. مجبوریت است و در سیاست خیرات نیست.

مذاکره و تفاهم سیاسی متمدن ساختن زندگی سیاسی با توافق بر حد اقل ها. درین حد اقل ها نباید مسایل و موضوعاتی گنجانیده شود که باید ملت بر آن تصمیم بگیرد.

سیاست صداقت و عدم صداقت هم سخن مرکزی نیست. همه جوانب مجبور به آنچه اند اجراء می کنند. صداقت و عدم صداقت پاکستان و در قدم بعدی ایران مرتبط به مجبوریت ها و عواقب ناگواری است که پاکستان و ایران در صورت عدم صداقت باید به آن بدون تردید مواجه می شدند و یا مواجه شوند. درین عرصه خیر است خیر است گنجایش ندارد.

مصالحه سیاسی ضرورت ماست. اما فهم درست ازین امر وجود ندارد. هنوز هم سیاسیون بلند رتبه افغانی حتی اخیراً در اجلاس جینوا در موارد، اظهارات تأسف بار داشتند که گویا عدم فهم شان از عمق این سیاست است. اصل عوامفریبی و جبونی مشکل ما را حل کرده نمی تواند.

مواردی وجود دارند و داشتند که مصالحه سیاسی را تسلیمی یک جانب به جانب دیگر تعریف کردند. اظهارات پی در پی عده از دزدان سرگردنه در حاکمیت کابل که حزب اسلامی به رهبری آقای حکمتیار تسلیمی ماست، ... عواقب بد و گشونده در پروسه بعدی این حرکت انسانی به نام مصالحه سیاسی دارد.

تعجب می کنم که حاکمیت کابل آن هوشیار و آن دیوانه اش یکسره تأکید دارند که ما در مذاکرات صلح کدام پیش شرط نداریم خو طالب باید به خواهر و مادر، زن و دختر خود مطابق تعریف ما احترام کند. اضافه می کنند که ما در میز مذاکره تأکید خواهیم داشت که طالبان باید قانون اساسی ما را قبول کنند و بلا تأخیر ادامه می دهند که ما در مذاکرات پیش شرط نداریم.

من نه فهمیدم که پیش شرط چیست؟

ما در مذاکرات پیش شرط نداریم اما پیش شرط داریم. کسی این موضع احمقانه و متناقض را ترجمه خواهد کرد که ما هم بدانیم؟

بخشی از راههای حل:

مذاکره و تفاهم سیاسی خواست و ضرورت ملت است و زور جنگ به کسانی که در جبهه اند معلوم شده و می شود.

لذا پیش ازینکه به مرحله بحث بر تسلیم دادن قدرت سیاسی برسد، باید به خود آمد و فرصت ها را نباید از دست داد.

- در ترکیب، ساختار، پالیسی و نوع تمویل مذاکرات صلح باید تغییر آورده شود.
- تیم مذاکره کننده دولت با مرجع ثالث بالخیر باید متفاوت باشد.
- امور و مواضع را نباید در تناسب حالت در جبهه جنگ تغییر داد.
- دست مداخلات خارجی دشمن را باید با تدابیر موثر قطع کرد و دهها تناقض درین عرصه را که نه درست اند و هم موجب ایجاد برداشت میشود که:
- نمی دانند، چه میکنند و یا نمی دانند چه میگویند، را نیز بلا تأخیر حل و برطرف ساخت .
- آنهای را درین زمینه فرصت داد که هم از لحاظ مسلکی و هم از لحاظ تعهد به ملت، منافع ملی و هم در تقوای سیاسی شان ایمان و پرنسب خیر اصل باشد. منافع و مصالح معقول و برجای خود و دیگران بدانند و از آن برداشت درست و برجاء داشته باشد. و ما علینا الا البلاغ المبین

